

دورنمای شهر کبند قابوس

جرجان - کبند قابوس

مشکوتی

خاک برداری ' قبرستان قدیمی و قبور زیادی که در تورنگ تپه و تقاره تپه که در قسمت غربی تپه اصلی تورنگ تپه واقع شده کشف گردید، بیشتر این قبور دارای اشیاء سفالی رنگین استخوانی و فلزی و مهره های گلی بوده که بنا بر بررسی دانشمندان نامبرده متعلق به سه تا دو هزار سال پیش از میلاد می باشد و بخشی از آن در موزه ایران باستان ضمن مجموعه اشیاء پیش از تاریخ بمعرض نمایش گذارده شده. معلوم میشود که زمینهای حوالی تورنگ تپه و تخماق تپه یکی از مراکز آبادی کهن سال ایران باستانی بشمار میرود. (۲)

اهمیت شهر جرجان از دوره زمامداری شهریاران ساسانی آغاز میشود و در زمان همین سلسله است که فیروز ساسانی برای حفظ گرگان بساختمان باروی آجری که بدرزای سیصد کیلومتر و دارای برج و بارو و پشتیبانهای معظم است اقدام نموده، بطوریکه در بالا اشاره شده آثار آن بارو اکنون در برخی نقاط جرجان در روی زمین و با در زیر زمین بنام سد اسکندر یا قزل تنگ که بمعنی دیوار سرخ باشد دیده میشود.

جرجان در آغاز اسلامی محل تاخت و تاز و وقوع یکرشته جنگهای خونینی مابین آل بویه و سامانیان شده بود بدینجهت در نتیجه همین ترکتاز تا حدی از اعتبار و اهمیت و یدشرف آن کاسته شد تا آنکه در دوره آل زیار (سده چهارم هجری) و زمان شمس المعالی قابوس بن وشمگیر این شهر مرکز یکی از بزرگترین دارالعلمهای اسلامی و مجمع ارباب علوم و هنر گردید و از آثار

در سرزمین جرجان قدیم که شامل جنگلهای ابوه و نقاط کوهستانی و دشت وسیع میباشد آثار زیادی از تمدن دو الی سه هزار سال پیش از میلاد (کاوشهای تورنگ، تپه قرقاول، تخماق تپه و غیره) و ادوار تاریخی و اسلام دیده میشود که کم و بیش مرکب از تپه کاری ساختگی و دژهای حصین و حصارهای گلی و آجری سد اسکندر و باروی آجری (که نمونه عظیمی از آن با رودر زمینهای دشت و کبند قابوس کنونی با ساختمان محکم و مقینی استوار و از زیر خاک بیرون آورده شده و آجرهای آن هنوز مورد استفاده تر کمانان و ساکنین دشت برای تهیه منازل مسکونی میباشد) و پلهای متعددی است که برای برقراری ارتباط در روی رود خانه ها ساخته شده (۱) و اکنون آثاری از بقایای پایه های آجری و طرح قوس طاقهای آن که در نهایت استادی و زیبایی زده شده دیده میشود.

ضمن کاوشهایی که برای بررسی و شناسائی پیشینه تاریخی زمینهای گرگان و دشت ترکمان شده است بایستی در مرتبه اول نام کاوشهای علمی تخماق تپه و تورنگ تپه را برد، این دو تپه تاریخی که اولی درسی و سه کیلومتری شمال استرآباد و دومی در هیجده کیلومتری شمال شرقی استرآباد واقع شده در سال ۱۳۱۰ خورشیدی توسط دکتر ویلسن امریکائی نماینده دانشگاه پنسیلوانی و موزه شهر کان سیتی مورد کاوش علمی قرار گرفته، طولی نکشید که در نتیجه

۱- شهر گرگان را که در کرانه رود گرگان واقع شده از قدیم بدو قسمت تقسیم نموده اند یکی شهرستان و دیگری بکرآباد و این دو وسیله یلی بهم متصل میشده، جغرافی این حوقل صفحه ۲۷۲

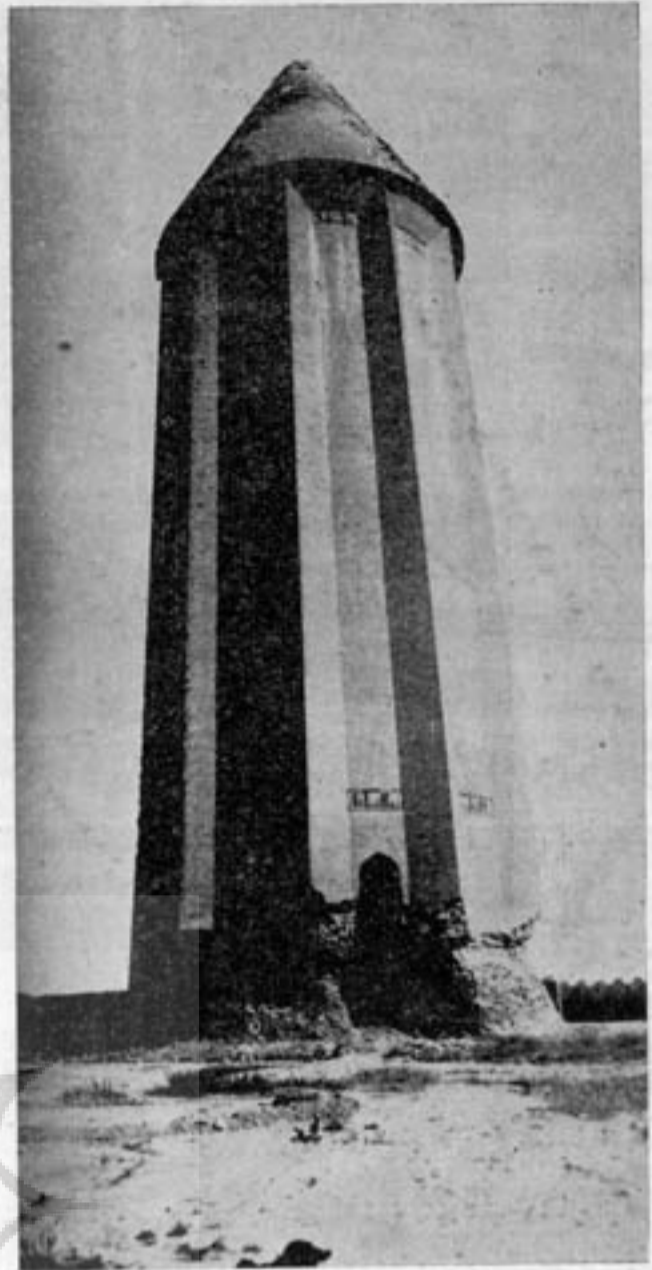
۲- برای بررسی بیشتری در اطراف اهمیت تاریخی تپه های نامبرده رجوع شود بگزارش حفريات تورنگ تپه نزدیک استرآباد تألیف دکتر ویلسن چاپ نیویورک

برجسته همین دوره مقبره قابوس و شمگیر است که در شهر کنبد قابوس کنونی پایدار مانده و در زمرة بزرگترین اندوخته های صنعتی و تاریخ معماری ایران بشمار است.

خرابی و انهدام جرجان ظاهراً با آغاز فتنه مغول مربوط است، حمدالله مستوفی در سده هشتم هجری آنرا بکلی ویران و بدون سکنه توصیف میکند از این رو معلوم میشود شهر جرجان که در سده سوم و چهارم هجری از بزرگترین مراکز آبادی بشمار میرفته در سده های بعد بکلی منهدم گردیده و اثری از آبادیهای قدیمی اسلامی آن بنظر نمیرسد، تنها امروز علائم جرجان قدیم را بایستی از مثنی توده های خاک و حصارهای کلی و بارو و پلهای آجری وارک قدیم و آثار زیر خاکی و آلات و ادواتیکه در نتیجه کلوش و کمانه بدست آمده و یا از راه تصادف بدست میآید تشخیص داد. از یادگارهای برجسته این شهر اسلامی همان آرامگاه شمس المعالی پادشاه آل زیار است که گذشته از جنبه صنعتی و تاریخی یادگار بس کرانهائی از دوران آبادی و شوکت و جلال آن سرزمین و دودمان آل زیار میباشد.

کنبد قابوس - بنای عظیم کنبد قابوس که از قدیمترین آثار موجوده اسلامی و متعلق با آرامگاه شمس المعالی قابوس بن وشمگیر آل زیار است از بزرگترین مفاخر صنعتی و عظیمترین ساختمانهای باشکوه اسلامی آل زیار بشمار میرود که در شمال شهر کنونی کنبد قابوس بر فراز تپه بزرگ دستی که قریب پانزده متر از زمینهای اطراف بلندی دارد در تاریخ سال ۳۹۷ قمری (۳۷۵ شمسی) بامر شمس المعالی ساخته و پرداخته شده.

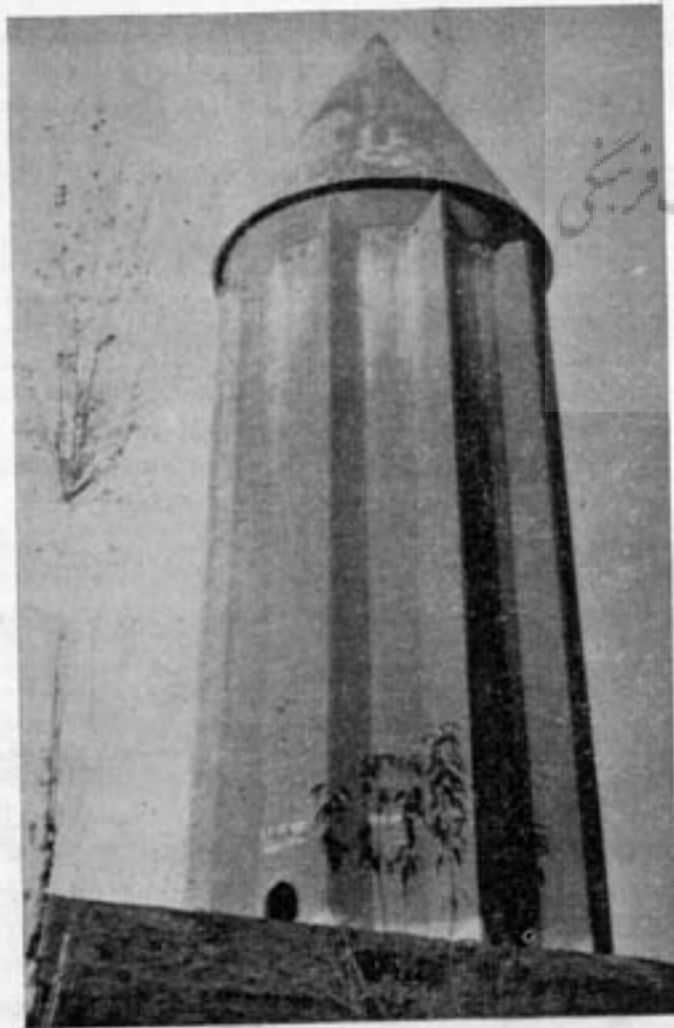
کنبد قابوس شامل برج استوانه ای شکل بلند آجری میباشد که بر روی صغه دایروی قرار داده شده بدنه برج را از خارج باده بریدگی یا (پشت بند) زینت داده اند که از پائین در میان صغه ای که از سطح اصلی زمین دو متر و هفتاد و پنج بلندی دارد جوش داده شده و از بالا بطره ای که سقف روی آن ساخته شده اتصال یافته و چنانکه از طرح بنا بر میآید از نقطه آغاز پشت بندها محیط دایره ای شروع میشود بقطر نه متر و هفتاد که محوطه درونی برج را بمحیط دیگری بقطر چهارده متر و شصت و شش محدود میکند و آن نیز دیوار برج را از خارج بمحیط سومی بقطر هفده متر و هشت منتهی میسازد و از مجموع پنج مریمی که بدین ترتیب تشکیل میشود ده پشت بند یا بریدگی را که دهانه آنها



کنبد قابوس پیش از تعمیر

یک متر و شصت پهنا دارد دید میآورد و از آن نیز دهانه دیگری تشکیل میدهد که یک متر و سی و چهار پهنا داشته و مدخل بنا وجود میآید بدین طریق زوایای پشت بند مستقیم بوده و همین مستقیم بودن پشت بندها موجب استحکام و تسهیل کار ساختمان برج را فراهم ساخته، از طرف دیگر محیطی که چهارده متر و شصت و شش قطر دارد در زوایای درونی پشت بندها بدنه های غرضی را که دارای خطوط منحنی هستند تشکیل داده.

در روی بدنه های دهگانه آجری برج به بلندی سه متر از طرف پائین و فاصله دو متر و شصت و پنج از زیر طره قاعده مخروط رأس دورشته کتیبه آجری بخط کوفی ساده در میان قابهای آجری بدرزای دو متر و پهنای هشتاد سانتیمتر نصب شده، این دو رشته کتیبه که از نظر متن و کلمات عیناً مانند یکدیگرند و در هر بدنه مکرر شده شامل نام بانی و تاریخ ساختمان و منظور بانی بنا میباشد و از هر جهت سادگی این کتیبه که عاری از پیرایه و تزینتی است میرساند که تنها منظور بانی استحکام بنا بر عظمت بیکر آن بوده و بدین رو توجهی به تزین و آرایش آن نشده است. خطوط کتیبه با آجر ساده قرمز که روی آن را سائیده بدون هیچگونه روکشی در درون قابهای آجری که با آجر نیمگرد ساخته اند جایگرفته، خطوط کوفی ساده این کتیبه دارای حجم و برجستگی و در عین حال یک نوع ظرافت تراش و زیبایی متناسبی میباشد که از هر جهت با هیئت ساختمان عظیم آرامگاه متناسب بوده و مقیاسی که برای تراش کلمات کتیبه بکار برده اند تناسب با عظمت ساختمان را داراست، گذشته از سادگی کتیبه در هنگام نصب خطوط و قابسازی آن این نکته مراقبت شده که از هر جهت وسایل مستحکم ساختن خطوط را در بدنه برج فراهم سازند، از این رو هر کدام از کلمات آجری کتیبه و آجرهای قاب اطراف آن دارای



قسمت شرقی کنبد پس از تعمیر

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

هٰذَا الْقَصْرُ الْعَالِیُّ

لَا مِثْلَهُ سِوَا اللَّهِ الْعَلِیُّ

الْاَمِیْرُ ابْنُ الْاَمِیْرِ

قَابُوسُ بْنُ شَمَكِرٍ

اَمْرٌ بِهٖ بِنَاؤُهُ فِی حَیَاتِهِ

سِنَةٌ سَبْعٌ وَتَسْعِیْنِ

وَتِلْثَمِائَةٍ قَمْرِیَّةٍ

وَسِنَةٌ خَمْسٌ وَسَبْعِیْنِ

وَتِلْثَمِائَةٍ شَمْسِیَّةٍ

بِنَامِ خَدَاوَنْدِ بَخْشَنْدَةُ بَخْشَیْشِکَرٍ

ریشه های بلندی است که در درون بنا جوش داده شده و حتی از جوش دادن و جفت نمودن سر خطوط بیکدیگر بوسیله ملاط مخصوصی که از سنگ محکمتر است کوناهی نشده، بهمین جهات و بعلت پختگی آجر قرمز و قوت کل آن هنوز پس از نصد و اندی سال که از تاریخ ساختمان و نصب این کتیبه میگذرد خرابی و خدشه بتاریخ و خطوط کتیبه وارد نشده جز آنکه مقداری از خطوط و کلمات آن بعلت اصابت گلوله خراب و بعضی از کلمات آن ریخته لیکن تکرار کتیبه در زیر طره سبب شده که پس از خرابی يك بند کتیبه از بند مکرر آن استفاده شده و بدین ترتیب برای همیشه متن کتیبه تاریخی بیاس مکرر بودن آن حفظ و مصون میباشد.

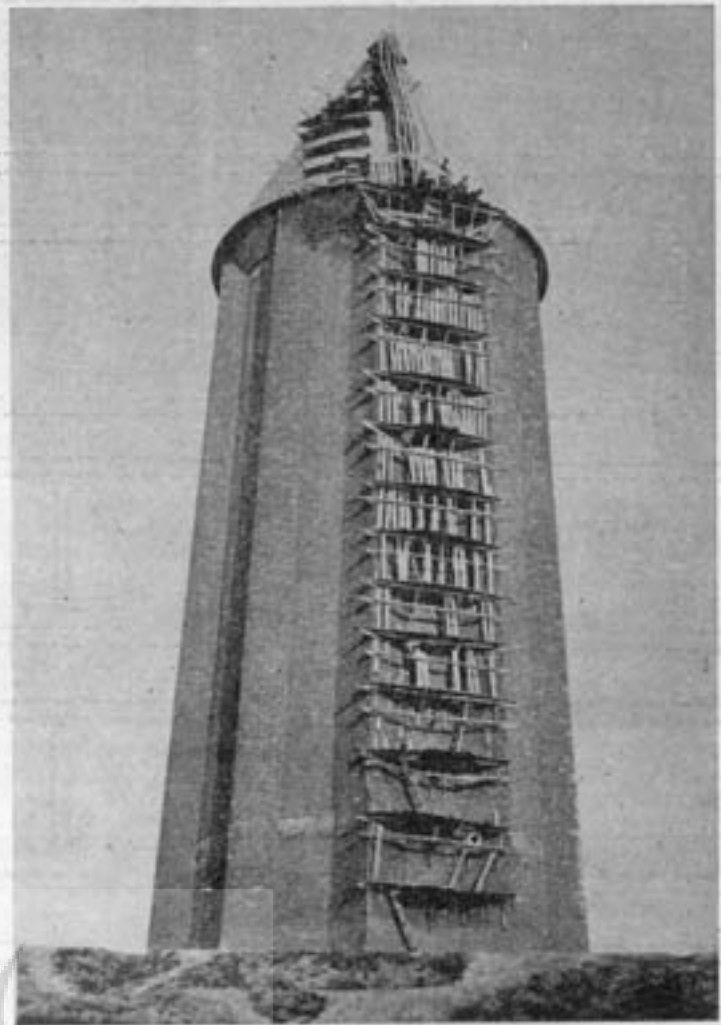
برخی از باستانشناسان که بنای کتیب قابوس را مورد بررسی قرار داده اند تصور نموده اند که کتیبه کنونی متعلق بزمان اصلی ساختمان آرامگاه میباشد، و عده ای بر این تصور این نکته را هم اضافه نموده اند که کتیبه تاریخی ده پست بند آرامگاه دارای روکش ساروجی بوده که بمروور زمان ریخته و فاسد شده و با هنوز هم در روی بعضی از کلمات کتیبه که کمتر در مقابل باران و آفتاب واقع شده وجود دارد لیکن بادقت و بررسی کافی و ممتدی که در باره این بنا شده خالی از حقیقت بودن دو تصور بالا ثابت گردیده که در مرتبه اول کتیبه کنونی متعلق بزمان بنا بوده و بعلاوه دارای هیچگونه روکش ساروجی و یارو کش دیگری که موجب حفظ آن گردد نبوده و حتی علائمی هم در این زمینه دیده نمیشود. اینک متن و ترجمه کتیبه کوفی دهگانه که در بدنه کتیب مکرر دیده و خوانده میشود بند به بند چنین است:

- ۱ - بسم الله الرحمن الرحيم
- ۲ - هذا القصر العالی
- ۳ - لامیر شمس المعالی
- ۴ - الامیر ابن الامیر
- ۵ - قابوس ابن وشمگیر
- ۶ - امر به بناؤه فی حیاته
- ۷ - سنة سبع و تسعین
- ۸ - وثلثمائة قمریه
- ۹ - و سنة خمس و سبعین
- ۱۰ - وثلثمائة شمسیه

ترجمه کتیبه دهگانه بدینقرار است:

بنام خداوند بخشنده بخشایشگر، این است کاخ بلند، امیر شمس المعالی امیر فرزند امیر، قابوس فرزند وشمگیر، فرمان داد به بناء آن در زندگی خویش، سال سیصد و نود و هفت قمری و سال سیصد و هفتاد و پنج شمسی. از این کتیبه معلوم میشود که بنای کنونی که بنام آرامگاه شمس المعالی قابوس نامیده میشود و شهرت دارد در اصل شامل ساختمان کاخ بلندی بوده که سپس بمحل آرامگاه پادشاه مشهور آل زیار تخصیص داده شده. از آغاز ساختمان و پایان سال بناء آن و اینکه آیا بگفته و وصیت قابوس این کاخ را بآرامگاه قابوس تخصیص داده اند اطلاعی در دست نیست همینقدر از تاریخ های قمری و شمسی کتیبه بدست میآید که قابوس در زمان زندگی خویش بسال ۳۹۷ قمری و سال ۳۷۵ شمسی بساختن این کاخ رفیع فرمان داده است.

اندوخته های صنعتی اسلامی بمعرض حمل قرار داده است، بطور کلی اتصال زوایای آجری اعم از افقی و عمودی در نهایت زیبایی صورت گرفته و تنها ایرادی که از نظر معماری بر این بنا و طرز آجر چینی آن شده یکی این است که در هر بدنه آجری پس از بدست زاویه فضائی خالی بشکل منشور پدید آمده، دیگر برآمدگی و حذب محقری است که در روی بدنه (پشت بندها) برج بتدریج پیدا شده و همین حذب محقر که منتهای آن در وسط بدنه بلندی هفده متر از کف زمین دیده میشود بر زیبایی و لطف دور نمای جذاب آن افزوده است. اعجاز صنعتی و معماری این شاهکار سده چهارم هجری در ساختمان سقف مخروطی حیرت آور و شگفت آن میباشد که در حقیقت بقدری در ساختمان و ظرافت پوشش مخروط مهارت بکاررفته که اهمیت صنعتی ساختمان تأثیر بلندی بدنه برج را بکلی از نظر انداخته و محو میکند، کار گر بنا سطح مخروطی سقف را بجای آنکه با آجر معمولی بسازد بایک نوع آجر ریشه دار که تنهاتان کنون در این بنا و برج رادکان جرجان که از آثار همین سده است پوشش نموده و بدین ترتیب در شکل بندی ساختمان گنبد که بایستی هرم وارشد تغییری داده شده و بصورت مخروط کنونی جلوه نموده، مخروط کنونی که شاهکار صنعتی این برج نامی بشمار میرود باندازه ای صاف و هموار ساخته شده که پرندگان راجرت نشست و برخاست بر روی آن نمیشود، هنوز نتوانسته اند پنجه بر آن افکنند و جای پائی برای خود بیفزایند، تنها گلوله بارانهای که بر این بنا شده موجب گردیده که بر چند نقطه بدنه هموار مخروط که روی آجرهای آنرا سائیده و صیقلی نموده اند بست و بلندیهائی ایجاد گردد و این خرابیها بیشتر متوجه سمت غربی



هنگام تعمیر گنبد

مخروط و مشرف بجاده و شهر گنبد بوده و پس از قسمت غربی خرابی بسمت شرقی گنبد متوجه شده و تنها قسمت شمالی مخروط و جنوبی آن سالمتر مانده و کمتر آسیب و زیان دیده است، در جهت شرقی

بدنه برج گنبد قابوس سراسر از آجر پخته قرمز بدون روکش ساخته شده، آجرهای سخت این بنا که در نهایت پختگی و استحکام میباشد بعلت تابش آفتاب سوزان دشت و بارانهای فراوان بمروار زمان برنگ زرد طلائی زیبایی درآمده اند، کهن سالی این بنا و رطوبت هوا و موقعیت طبیعی آن موجب شده که گذشته از تغییرات رنگی که در ظاهر بنا پدیدار است خزه و سبزی طبیعی شفاف طلائی رنگ بر روی آجرهای بدنه آن بوجود آید که از برکت عمر دراز بیک نوع تزئین طبیعی که نماینده کهنوت بنا است فائل شود، این آجرها بیشتر بشکل مربع $25/25 \times 60/60$ سانتیمتر و گاهی اضلاع آنها از بدست دست تایدست و پنج و قطر آن از پنج متر و پنج الی شش سانتیمتر متفاوت و زیاد و کم میشود و از نظر همواری و صافی و رنگ تماماً یکسان و مهارت متصدیان کار را میرساند، در قطر ملاط بند کشی بدنه آجری برج از دو تا سه الی چهار سانتیمتر است که در تمام فواصل آجرها بدون باقی گذاردن کودی بند کشی ظریفی شده، در باب ترکیب اجزاء بند کشی آن که شباهت کامل بیک قسم ساروج محکم و بی نظیری را دارد عقاید مختلفی رایج است بهر حال ملاط گنبد که برنگ خاکستری و دارای ترکیبی از شن و ماسه میباشد از نظر استحکام مورد حیرت و تعجب تمام کارشناسان و اهل فن معماری و بنائی است و بگفته برخی یکی از جهات پایداری و استواری این بنای نادره ترکیب اجزاء غیر قابل انفکاک ملاط گنبد قابوس است.

در باب طرز ساختمان بدنه استوانه ای گنبد که در نهایت سادگی و ظرافت ساخته و پرداخته شده اشکالی از نظر فنی و معماری دیده نمیشود تنها اشکالی که بنظر میرسد در جفت نمودن و تطبیق زوایای آجری است که از اضلاع پشت بندها و دیوار برج بوجود میآید و در همین قسمت است که معمار بنا استعداد و مهارت خود را در ضمن انشاء یکی از





کنبد مخروطی شکل روزنه‌ای که موجب تابش اشعه آفتاب بدرون کنبد و سقف بنا است تعبیه شده، این روزنه که طاق آن از در طرف (خارجی و داخلی) با آجرهای مخصوص قالبی که برای زدن طاق چشمه ساخته شده بدرزای دو متر تمام و پهنای $۷۴/۰$ و $۷۸/۰$ و $۸۰/۰$ سانتیمتر میباشد (هر قدر از پائین رو بیالا می رود از پهنای روزنه کاسته میشود) کف آن با آجر ساده بزرگ فرش شده و روی بدنه دیوارهای روزنه و بر روی سقف آن اندودی از گچ و خاک که شاید برنگ آبی تزیین شده بقطر يك الی شش سانتیمتر (اندود چشمه طاق) موجود است، ضمناً از فاصله مابین تیزه عقب روزنه (وصل به بدنه داخلی کنبد) و تیزه خارجی کنبد که دو متر و ده سانتیمتر و پنجاه و پنج از بالا تا پائین قطر دارد میتوان بضامت و قطر قسمت سفلی و علیای کنبد مخروطی پی برد و تنها از همین روزنه شرقی است که روشنائی درون کنبد تأمین میشود.

آجر مخروطی ساخته شده و این خطای با صره تنها از جهت مهارت در طرز اتصال و پوشش سقف تولید میشود، از این رو چون در طرز اتصال و قرار دادن ریشه‌های آجر در بدنه مخروط مراقبت کافی شده دیگر احتیاج به بند کشی پیدا نمیشود زیرا فاصله‌ای در این بین تولید نمیکرد و گذشته از آن سر اشیبی تند بام مخروطی هم مانع ایستادگی آب باران بر روی بام کنبد شده و همین سر اشیبی و همواری بام از علل مؤثر استحکام و سیانت مخروط کنبد بشمار است.

درون بنای کنبد قابوس از لحاظ سادگی مانند خارج آن میباشد و بطوریکه از دقت بر روی دیوار و جدار داخلی آن بدست میآید در زمان ساختمان بنا روکش گچی رنگین و با اندودی از گچ بقطر یکسان نیمتر تا پنج الی شش سانتیمتر بر روی دیواره آجری برج قرار داده بودند که اکنون آثار آن از بلندی هفت الی هشت متری کف درونی برج تارأس داخلی مخروط دیده میشود تنها اشکال ملاحظه دقیق آن تیرگی و دور زدگی درون کنبد است که یکسره داخل بنا را سیاه و تیره ساخته.

از تزیینات خارجی این بنای عظیم گذشته از کتیبه‌ها بایستی دو رشته مقرنس آجری که نیم کنبد میان دو طاق سردر بر روی آنها ساخته شده نام برده شود، این دو مقرنس ساده زیبا و دو مقرنس دیگر بهمان شکل که در زیر آنها ساخته شده و گچبری صفحه جدولی زیر تیره طاق سردر ورودی و آثار کلاف بندی قطارهای گچی که در کاسه سردر مشاهده میگردند و اکنون خراب و شبح طرحی از آن باقی است اگرچه در کمال سادگی میباشد لیکن از این جهت که نمونه ابتدائی از هنر تزیینی بشمار می رود قابل شناسائی و سزاوار حفظ و نگاهداری است. در باب بلندی حقیقی این برج نظریات مختلف بود تا آنکه نگارنده که در سال هزار و سیصد و هجده خورشیدی مأمور تعمیر

آجرهای بدنه مخروط دارای قالب و شکل مخصوص میباشد که با اصطلاح محلی با آجر باز و دارو یار ریشه دار نامیده میشود، این آجرها بتفاوت دارای ریشه‌های مختلف و بدنه‌های متفاوت است و هر قدر از پائین رو بیالا می رود به نسبت خاصی از زیادی ریشه و پهنای و درزای بدنه آن کسر میشود تا اینکه بفراز مخروط میرسد. ریشه آجرهای بالای طره و شروع قاعده مخروط پنجاه الی چهل و هشت سانتیمتر میباشد که بدنه آجر آنها که روی مخروط را پوشانیده بدرزای سی و پنج سانتیمتر و پهنای بیست و پنج سانتیمتر است، بهمین ترتیب در اواسط بدنه مخروط ریشه آجرها به چهل و سی و شش و بیست و نه سانتیمتر تخفیف پیدا نموده، بدنه آنها هم که قسمت وسطی مخروط را پوشانیده بصورت مربع درآمد و هر کدام باضلاع ۳۰×۲۵ سانتیمتر میرسد، سپس از بلندی سه الی دو و نیم متر مسافه بفراز مخروط از ریشه و اندازه بدنه‌های آجری مخروط کسر شده بطوریکه ریشه آجرهای رأس مخروط به بیست و هشت الی بیست سانتیمتر رسیده درازا و پهنای آجرهای روی مخروط به نوزده الی ده سانتیمتر منتهی میشود تا آنکه در فراز کنبد بیک آجر نوك تیز پایا مییابد. بدین ترتیب چون نوع پوشش مخروط سقف با آجری ها مخصوص ریشه دار میباشد در طرز ساختمان زیر بدنه مخروط و آجر چینی آن دقت مخصوصی بکار گرفته که در زیر گلولی هر کدام از ریشه آجر باز و در پنج الی شش عدد آجر که پهنای درازا و قطر آن ۶×۶ و ۲۵×۲۵ سانتیمتر است قرار داده شده، این آجر بر روی هم بواسطه ملاط گچ متصل گردیده بعداً آجر ریشه دار را بر روی آن استوار ساخته‌اند، ضمناً برای آنکه لبه آجرهای روی مخروط بیکدیگر متصل گردند آنها را طوری با آجر تراش داده و بیکدیگر قفل و بست نموده‌اند که ناظر و بیننده کنبد تصور مینماید که سطح مخروط بناتماماً از يك قطعه

و مرمت آن گردید موفق شد که با کمال دقت بلندی برج را پس از تعمیر و اتمام ساختمان مخروط رأس اندازه گیری نموده و اکنون بلندی حقیقی آن بدینقرار است:

بلندی بدنه برج از کف زمین تا زیر قاعده مخروط رأس سی و هفت متر تمام است.

بلندی کتیبه مخروط از کف قاعده تا رأس آن هیجده متر تمام است. که رویه مرفته بلندی کلیه برج با ششمنای تپه ای که بر روی آن ساخته شده پنجاه و پنج متر است. اگر پانزده متر بلندی تپه دستی که کنبد بر روی آن قرار گرفته را بدی کنبد بیفزایم مجموع بلندی کنبد به هفتاد متر میرسد از این جهت میتوانیم بنای کنبد قابوس را از بلندترین آثار تاریخی دنیا بشمار آوریم. گذشته از اهمیت صنعتی و تاریخی این برج در عالم معماری اسلامی یادآوری آن در دشت ترکمان موجب راهنمایی مسافرین و مردمان و ساکنین دشت میباشد زیرا قامت رعنائی کور در عین اینکه نماینده عظمت و جلال جرجان و آل زیار و یادگار فرمانروائی شمس المعالی میباشد خود هادی و راهبر مسافرین است، بهمین جهت بنای کنبد در نتیجه بی مبالائی و تجاوزی که بان شده بود بمنظره رقت آوری مشاهده میشد، پایه مهیب بنا و اطراف سردر و رودی وصفه و خروجی های آجری صدمات زیاد دیده و در بعضی قسمتهای پایه حفره های عمیق دوالی دو متر و نیم تولید شده، آجرهای آبراکنده و برده بودند و در حقیقت چیزی نموده بود که بی بنا از کشیدن بار سنگین آرامگاه شاهه خالی کند، گذشته از خرابی بی و پایه بنا کنبد مخروطی آن بویژه در سمت شرقی و غربی خرابی و لطمه های فراوان دیده و قریب هزار و پانصد عدد از آجرهای ریشه دار آن شکسته و از جای خود در اثر اصابت گلوله درآمده، اطراف روزنه شرقی بکلی خراب و آجرهای طره و قسمتی از تیزه های مابین پشت بند (بویژه قسمت جنوب شرقی) و خطوط کتیبه بندالاه ایران الامیر و قابوس ابن و شمسکیان مکرر زیر و بالا ریخته و محو گردیده، درون بنا هم نیازمند بنعمیرات و اصلاحاتی بود تا آنکه در سال ۱۳۰۴ خورشیدی برای نخستین مرتبه به تعمیر پایه بنا بر طبق اسلوب قدیمی آن اقدام شد و بهر ترتیبی بود صفت آن ساخته و پرداخته شد قسمت مهم تعمیر آن که مرمت کنبد مخروطی و پوشش بام کنبد بود موکول بسال ۱۳۱۸ خورشیدی گردید سپس در خلال سال ۱۳۱۷ به تهیه چوب بست معظم آن در بدنه وسطی غربی و روی کنبد مخروطی اقدام شد و پس از یکسال که چوب بست آن پایان پذیرفت و نرده بام سی و سه پله آن با تمام رسید از شهریور ماه ۱۳۱۸ خورشیدی شروع به تهیه آجر مخصوص بام و ساختن پالکی دوار و نصب جر و اقبال و سایر وسایل فنی تعمیر گردید، در طی مدت سه ماه کلیه مرمت کنبد مخروطی و تعمیر کتیبه و صفت قاعده و اصلاحات

درونی آن بیابان رسید، بطوریکه برای همیشه این اعجاز صنعتی عالم اسلامی که با شکوه ترین ابنیه سده چهارم هجری است از خطر خرابی و هر نوع گرند و آسیبی محفوظ و مصون گشت. در این جا بی مناسب نیست که ذکر ازنمای برج رادگان جرجان که از نظر معماری و ساختمان بیشباهت به کنبد قابوس نیست برده شود.

برج رادگان که در جنوب جرجان و آبادی رادگان بشباهت بنای کنبد قابوس با آجر ساخته شده آرامگاه یکی از اسپهبدان آل باوند و فرمانروایان محلی است که بر طبق کتیبه متعلق با آغاز سده پنجم سال ۴۰۷-۴۱۱ هجری است و بطوریکه از متن کتیبه کوفی آن برمیآید ساختمان بنای نامبرده در سال ۴۰۷ هجری توسط اسپهبد ابو جعفر آغاز و تا سال ۴۱۱ هجری پایان آن بطول انجامید، این بنا که بصورت برج مدوری ساخته شده دارای کنبد مخروطی آجری است که آجرهای آن مانند آجر پوشش کنبد مخروطی کنبد قابوس میباشد با این تفاوت که آجر ریشه دار پوشش کنبد برج رادگان به مقیاس کوچکتری تهیه شده لیکن از جهات پختگی و رنگ و استحکام نظیر آجرهای کنبد قابوس است، تفاوت دیگر آن با بنای کنبد قابوس در این است که روزنه این برج برخلاف روزنه شرقی کنبد قابوس که در بدنه مخروط ساخته شده در بدنه مدور برج تعبیه گشته و ضمناً از نظر آثار تزئینی هم بر کنبد قابوس رجحان دارد زیرا در این بنا تزئین کچبری هم علاوه بر تزئین آجری موجود است. این برج که در محل بنام قلعه کبری هم نامیده میشود و بر فراز تپه قرار گرفته دارای موقعیت طبیعی مخصوصی است بطوریکه اطراف آنرا مناظر زیبایی احاطه نموده و چون تا اندازه ای از گزند و تجاوز محفوظ مانده چندان دچار خرابی نشده، شاهکار صنعتی این بنا نیز ساختمان کنبد مخروطی صیقلی و هموار آن میباشد، قاعده مخروط و طره زیرین و دورشته تزئین و کتیبه کوفی کچی آن جزء تزئینات جالب توجه سده پنجم هجری بشمار میرود و همچنین ساختمان سردر آن از نظر فن معماری بی اهمیت نمیشد بدین جهت بنای رادگان را عده ای بتقلید صرف از ساختمان عظیم کنبد قابوس میدانند و این نظریه با بررسی و تطبیق شکل ساختمان و طرز آجرچینی و بویژه ساختمان مخروط کنبد تا اندازه ای صحیح و قریب یقین است و میتوان معتقد شد که اگرچه معمار بنا صرفاً در ساختمان برج رادگان کنبد قابوس تقلید و متابعت نموده تا حدی معماری کنبد آن در طرز ساختمان و معماری رادگان مؤثر نشده و کارگران بنا توانسته اند از تقلید آن صرف نظر نمایند بدین رو بایستی ساختمان کنبد قابوس را بمنزله سرمشق بنا به برج رادگان بدانیم.